

تاوان کهرزیک

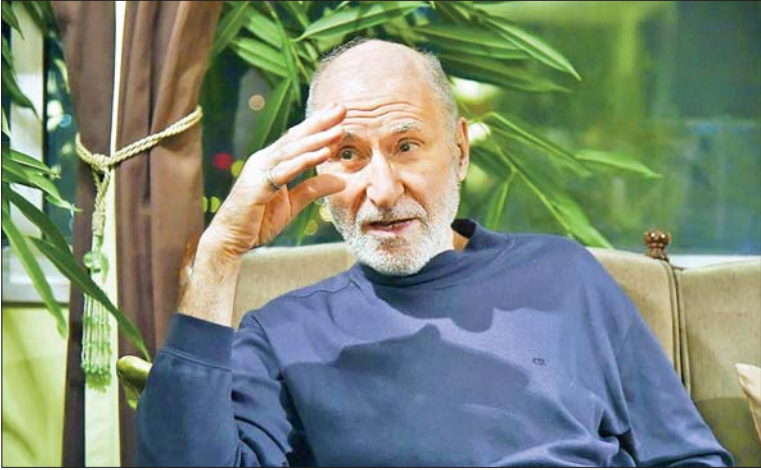
آقای جشن‌ساز طی نامه شماره ۵۷-۹۲ مورخ ۹۲/۷/۳ به‌عنوان آقای هندی مشاور و محترم وزیر نفت در امور حقوقی تقاضای استرداد چک‌های مذکور را نموده است. ولی تا زمان تهیه گزارش هیچ‌یک از چک‌ها تحویل سازمان تأمین اجتماعی نشده است.»

پرونده‌های دیگر

علاوه بر اینها عباس پالیزدار، پیمان حاج محمود عطار و جمعی دیگر هم به اتهام بازداشت غیرقانونی و افترا از سعید مرتضوی شکایت کرده‌اند. فاطمه آجرلو نماینده سابق مجلس و همسرش کمال مینایی که قاضی است نیز بابت آمریت در دستور بازرسی غیرقانونی از منزل مسکونی‌شان از مرتضوی شکایت کرده‌اند. پیمان حاج‌محمودعطار هم دیگر شاکی مرتضوی در ارتباط با پرونده پالیزدار، درباره شکایتش از مرتضوی گفته بود: «شکایت من از مرتضوی به دو سال قبل بازمی‌گردد؛ یکی به اتهام مشارکت او در بازداشت غیرقانونی و دوم اینکه مرتضوی چه قبل و چه بعد از تبرئه من به‌کرات در رسانه‌های گروهی همه افرادی را که در پرونده پالیزدار دستگیر شدند، باند پالیزدار خطاب می‌کرد؛ درحالی‌که ما از این اتهام تبرئه شده بودیم. به‌همین علت بابت افترا و نشر اکاذیب از او شکایت کردم. این در حالی است که مرتضوی در دفاعیاتش می‌گفت اگر گفته‌ام باند و گروه تشکیل داده‌اند، جرم نیست». پرونده پالیزدار به ماجرای تحقیق‌وتفتحص مجلس هفتم از قوه قضائیه مربوط بود. محمد دهقان و فاطمه آجرلو از نمایندگان مجلس، عضو این کمیته و عباس پالیزدار به‌عنوان دبیر کمیته معرفی شده بودند. ماجرا از آنجا آغاز شد که پالیزدار برخی یافته‌های خود را از تحقیق‌وتفتحص در سخنرانی دانشگاه‌های مختلف مطرح کرد، بعد از آن، او به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شد. پرونده این شاکیان هم‌اکنون در مرحله تجدیدنظر است و مورد آخر اینکه سعید مرتضوی و فاضل لاریجانی برادر رئیس مجلس هم هر دو از هم شکایت کرده‌اند که براساس آخرین سخنان محسنی‌از‌های، سخنگوی قوه قضائیه پرونده آنها همچنان مفتوح است و رسیدگی به آن ادامه دارد.

politics@sharghdaily.ir

پاسخ نبوی به اتهامات علیه دولت دفاع مقدس



بهراد نبوی در گفت‌وگوی مفصلی با سایت جماران درباره شرایط اداره کشور در دوره جنگ و پذیرش آتش‌بس سخن گفته و با تشریح شرایط بودجه‌ای و ارزی، به اتهاماتی که دولت دفاع مقدس با آنها مواجه است، پاسخ داده است. اهم این مصاحبه را در پی می‌خوانید:

- به جز چند کشور معدود مثل لیبی -آن هم بسیار محدود- از ابتدای جنگ تقریباً هیچ کشوری به ما اسلحه و مهمات نمی‌فروخت و فکر می‌کنم به‌جز جریان مک‌فارلین که تعدادی موشک تاو و تجهیزات دیگری در اختیار ما گذاشته شد، ما واردات سلاح و مهمات قابل‌توجهی نداشتیم. بنابراین به فرض که ما ارز هم داشتیم، امکان تأمین نیازهای اصلی جنگ از طریق واردات وجود نداشت. به‌همین دلیل واردات ما مربوط به اقلامی در جنگ بود که اسلحه محسوب نمی‌شدند؛ مانند خودروی توپوتا لندکروز یا ماشین‌آلات راه‌سازی و نظیر آن. این روند تا سال ۶۴ ادامه داشت و من حاضریم با هر کسی از نیروهای مسلح و غیرنیروهای مسلح که مدعی باشد تا سال ۶۴ دولت در حمایت ارزی و ریالی از جنگ کم گذاشته است، همین‌جا مناظره‌ای بگذاریم و با آنها مناظره کنیم... در مواردی هم پول برای کسب اسلحه داده شد و باز نتیجه‌ای به دست نیامد؛ ضمن اینکه از روش‌هایی مثل بازار سیاه و قاچاقچیان اسلحه نمی‌توان برای یک جنگ هشت‌ساله که هر ساعت هزاران گلوله در آن شلیک می‌شود، تجهیزات تأمین کرد.
- دومین مرحله از سال ۶۵ تا ۶۷ بود؛ یعنی سه سال آخر جنگ. از اواخر سال ۶۴ قیمت جهانی نفت سقوط کرد و از ۳۴ دلار در هر بشکه به زیر ۱۰ دلار و حتی پنج دلار رسید.
- از سوی دیگر از همان اواخر ۶۴ یا اوایل ۶۵، ظاهراً بعد از تحویل هواپیماهای جدید میزاف به عراق، بمباران و موشک‌باران شدید تأسیسات و خطوط لوله نفتی و کشتی‌های حامل نفت ایران در خلیج فارس شروع شد. اینها سبب شد که صادرات نفت ما که حدود دویلمیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود، به زیر یک میلیون بشکه در روز تقلیل یابد؛ یعنی هم قیمت یک‌چهارم شد و هم مقدار صادرات به حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد گذشته رسید و به‌این‌ترتیب در سه سال پایانی جنگ با اندکی افت و خیز، کاهش درآمد ارزی ادامه داشت و درآمد نفت ما که در سال‌های ۶۰، ۶۱ و ۶۲ حدود ۲۰میلیارد دلار بود، در سال ۶۴ سیری نزولی را طی کرد و به ۱۳ تا ۱۴میلیارد و در سال‌های بعدی به هفت میلیارد دلار رسید. با این درآمد حتی اگر جنگ هم نبود، اساساً امکان اداره کشور وجود نداشت. بالاخره

کشور یک نیاز وارداتی حداقلی داشت که باید تأمین می‌شد که البته طبعاً با آن شرایط تحقق نمی‌یافت. در این شرایط، در دولت آقای مهندس موسوی از این هفت میلیارد دلار حدود سه‌میلیارد دلار مستقیم به نیروهای مسلح اختصاص می‌یافت.

- ... سه میلیارد دلار دیگر صرف خرید کالاهای اساسی و ضروری می‌شد که به‌صورت سهمیه‌بندی‌شده با تصویب ستاد بسیج اقتصادی در اختیار مردم قرار می‌گرفت و کالاهای ضروری مورد نیاز مردم که بعضاً سهمیه‌بندی نبود، مثل کتند و نان که هم سوبسید می‌گرفتند و هم بایستی به وفور در کشور وجود می‌داشت.
- یک‌سوم بودجه عمومی ریالی دولت در اختیار نیروهای مسلح بود، یک‌سوم آموزش‌وپرورش و یک‌سوم بهداشت و درمان. مقادیر بسیار کم باقی‌مانده هم به کارهای جزئی اختصاص می‌یافت.
- تا آنجا که به خاطر دارم بودجه ما حدود ۴۰۰میلیارد تومان بود و نباید آن را با الان که ۳۰۰ هزارمیلیارد تومان است مقایسه کنید. ۵۰ درصد این بودجه ۴۰۰ میلیارد تومانی، کسر بودجه بود. یعنی ۲۰۰ میلیارد تومان کسر بودجه داشتیم. در چنین شرایطی چگونه می‌توان گفت دولت از جنگ حمایت نکرده است.
- کمیسیون پشتیبانی صنعتی و مهندسی جنگ در دولت تشکیل شد... کمیسیون دو کمیته داشت؛ یکی کمیسیون مهندسی و دیگری کمیته صنعتی. من مسئول کمیته صنعتی کمیسیون بودم. در این کمیته ما آنچه کارخانه‌های داخلی توان تولید را برای جبهه و جنگ داشتند سازماندهی می‌کردیم. من در آن زمان معاون لجستیک ستاد فرماندهی کل قوا و وزیر

باشد، می‌تواند توالیت صحرایی بسازد!! در طول تاریخ جنگی من به یاد ندارم که هیچ‌یک از نیروهای مسلح، سفارش توالیت صحرایی به صنایع کشور داده باشند؛ بنابراین چیزی که سفارش داده نشده چگونه می‌تواند ۱۰ برابر قیمت ارائه شده باشد.

- نمونه دیگر حمایت از پشت جبهه در زمان مهندس موسوی و در دوره‌ای که تهران و شهرهای بزرگ موشک‌باران می‌شد، ساخت پناهگاه در شهرهای بزرگ بود که در کمیسیون پشتیبانی، مهندسی و صنعتی جنگ درباره آن تصمیم گرفته شد. در آن موقع مسئله جدی بود. متأسفانه برخی از دوستان و برادران عزیز ما در نیروهای مسلح به پناهگاه‌سازی به‌عنوان کارهای لوکس و غیرضروری می‌نگریستند و با این استدلال که «آقا مگر رزمنده‌های ما در خط مقدم پناهگاه دارند؟» البته بسیاری دیگر خوب تحلیل می‌کردند و می‌فهمیدند که پناهگاه یعنی حفظ مردمی که پشتیبان جنگ هستند و برای جنگ در پشت جبهه‌ها کار می‌کنند. تمام کشورهای دنیا هم در جنگ‌های بزرگ پناهگاه ساختند.

- بعد از بازپس‌گیری فاو توسط عراق، امام جانشینی فرماندهی کل قوا را در حکمی رسماً به آقای هاشمی دادند و آقای هاشمی هم با هدف اینکه دولت را بیشتر در جنگ درگیر کند، از مهندس موسوی خواست ستادی تشکیل دهد. آقای مهندس موسوی را به ریاست ستاد فرماندهی کل قوا منصوب کرد و ایشان هم چند نفر از وزرا را به‌عنوان معاونان ستاد انتخاب کردند که من عهده‌دار معاونت لجستیک بودم، آقای روغنی‌زنجانی که رئیس سازمان برنامه بود، معاون برنامه‌ریزی ستاد فرماندهی کل قوا شد و به‌این‌ترتیب برنامه‌ریزی دولت و جنگ یکی شد و تأمین نیازهای لجستیک جنگ با مدیریت وزارتخانه‌ای که بیشترین دخالت را در این زمینه داشت، یکی شد. معاون فرهنگی جنگ هم آقای خاتمی شد که وزیر ارشاد وقت بود.
- این ستاد وقتی تشکیل شد که عراق فاو را پس گرفته بود و دلیل تاکتیکی مشخص آن هم این بود که بعد از عملیات کربلای ۵ فرماندهان سپاه به آقای هاشمی که فرمانده جنگ بود، گفته بودند که دیگر در جبهه جنوب طرح جدیدی ندارند. این‌طور که مرحوم آقای هاشمی به من گفتند، فرماندهان انتقال سازمان رزم به جبهه شمال را مطرح و ایشان هم ظاهراً با پیشنهاد انتقال نیروها به جبهه شمال موافقت کرده بودند.
- من معتقدم انتقال سازمان رزم به جبهه شمال یکی از اشتباهات بزرگ تاکتیکی در جنگ بود.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

سردار سلیمانی:

از مرگ ترس نداریم

- ایستاد: فرمانده سپاه قدس با اشاره به کسانی که مجاهدان را تهدید به کشتن می‌کنند، گفت: کسی که ما را از کشتن می‌ترساند مانند کسی است که به ما مدال می‌دهد. سردار قاسم سلیمانی در سخنانی در جمع رزمندگان در بوکمال در همین زمینه گفت: شهید علی محمدی یکی از فرماندهان گردان، در دفترچه خود نوشته بود، ای برادر عرب که تو به دنبال منی و من به دنبال تو، اگر مرا شهید کنی شفاعت می‌کنم. او با بیان اینکه خدا روزه‌روز به ملت ایران و جمهوری اسلامی پیروزی بیشتری می‌دهد و معتقدم این پیروزی‌ها روزه‌روز بزرگ‌تر و وسعتش بیشتر خواهد بود، ادامه داد: اینها همه اراده خداوندی است و کسانی مانند آمریکایی‌ها پشیزی در برابر اراده الهی نیستند، چراکه این ملت آماده جان‌فشانی است. لیاقت پیروزی را دارد و هر نصرتی به نسبت لیاقت است. او افزود: ما امروز این ظرفیت را هم در رهبران داریم که بدون ادعا خادم کل عالم است و هم ملتی داریم که واقعا نشان دادند برای خودشان، کشورشان، مذهب و اسلامشان ملتی فداکار هستند. فرمانده سپاه قدس خطاب به رزمندگان در بوکمال گفت: امروز شما پرچمدار و انتخاب‌شدگان الهی هستید و باید این حق را به‌خوبی ادا کنید. در خیبر پیامبر اکرم(ص) شمشیر را دست کسی داد که حقش را ادا کند و او امیرالمؤمنین(ع) بود که در خیبر را از جا کند. قدرت آن دستی که در را کند، قدرت ایمان امیرمؤمنان(ع) بود نه‌فقط قدرت شمشیر وگرنه ببینید که آمریکایی‌ها با این همه نیرو وقتی قدرت ایمان ندارند مجبورند برای سربازان خود پوشاک بچگانه تهیه کنند که از ترس نتوانند از تانک‌ها خارج شوند. این در حالی است که شما با این اسلحه عادی افتخار آفریدید، چراکه از جان خود گذشته‌اید. او افزود: البته گذشتن از جان به این معنا نیست که تدبیر نداریم، بلکه ما از مرگ ترس نداریم و با تدبیر، حکمت و دقت در عملکرد و بررسی دشمن پیش می‌رویم. ما ترسی از جانمان نداریم که بگوییم می‌کشیمتان. سلیمانی بار دیگر به رزمندگان حاضر در بوکمال تأکید کرد: ما که اینجا هستیم باید دقت در حلال و حرام داشته باشیم. در زندگی مردم مراقب باشیم که بیش‌از حد از نمی‌توانیم همین‌طوری تصرف کرد. اینجا نماز را رعایت کنیم. اینجا محل ناهله شب است. اینجا نزدیک‌ترین نقطه به خداست.

LEON
Since 1960
The Roof



کماکان پیشرو...

شعبه پاسداران

پاسداران، بهستان هشتم، پلاک ۱، برج آبتین، طبقه ۷
رزرو کنید: ۲۲ ۷۹ ۱۲ ۷۵ / ۲۲ ۷۹ ۱۲ ۱۹

www.leon1960.com
@/leon.1960

اکسار نوری
جمهوری و مشروعتمحمد علی دادخواه
فراقانونمصطفی میرانین
شرقی همکینمحترم رحمانی
زنان و سه انتخابات اخیر

انشقاق یا ائتلاف
فضای ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰

تخاصم
بین جریانات دانشجویی

اقلیم کردستان

عزت‌الله سبحانی:
اسلام؛
انفعالی
انقلابی
اصلاحی

the guardian
اسناد حمایت آمریکا
از کودتای اندونزی

FT
FINANCIAL
TIMES